



انسانی در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی وجود ندارد، اما بانک جهانی براساس برآورد شاخص‌های آماری وضعیت کشورهای جهان در سال‌های قبل از ۱۹۹۰ رانیز تهیه کرده که آمارها نشان می‌دهد در دهه ۸۰ میلادی رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی پایین‌تر از کشورهای ترکیه و لیبی بوده است و با ژاپن نیز فاصله بسیار چشمگیری دارد، به‌طوری‌که این میزان در حالی برای ایران ۰/۴۵ بوده که برای ترکیه ۰/۴۷ و مقدار آن برای لیبی ۰/۶۴ و برای ژاپن نیز ۰/۷۷ بوده است. این میزان تا سال ۲۰۱۸ میلادی برای ایران به ۰/۷۹۸، برای ژاپن به ۰/۹۰۹، برای ترکیه به ۰/۷۹۱ و برای لیبی به ۰/۷۰۶ رسیده است.

بی‌سوادی جمعیت ایران؛ ۵۲ درصد
سواد یکی از متغیرهای شاخص توسعه انسانی است که بالا یا پایین بودن آن نشان‌دهنده میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی یک جامعه است. بررسی وضعیت این شاخص نشان می‌دهد در آخرین سرشماری رسمی دوره پهلوی که مربوط به سال ۱۳۵۵ است، ۴۷/۵ درصد جمعیت کشور باسواد و ۵۲/۵ درصد جمعیت کشور نیز از نعمت سواد بی‌بهره بوده‌اند. بر این اساس، از جمعیت ۳۳/۷ میلیون نفری کشور در این سرشماری، بیش از ۲۷ میلیون نفر در سن بالاتر از ۶ سال قرار دارند که از این میزان ۱۲/۸ میلیون نفر باسواد و ۱۴/۲ میلیون نفر نیز از نعمت سواد بی‌بهره بودند. همچنین بررسی وضعیت سواد بین مردان و زنان نیز ارقام قابل‌تاملی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که از مجموع ۱۳/۱ میلیون زن بالاتر از ۶ سال حدود ۳۵/۵درصد باسواد و ۶۴/۵ درصد نیز بی‌سواد بودند که این میزان بین مردان به ترتیب ۶۱/۲ و ۳۸/۸ درصد بوده است. علاوه‌بر آمارهای داخلی، آمارهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهند به‌رغم تبلیغات سنگین سلطنت‌طلبان در سال‌های اخیر مبنی‌بر برتری وضعیت اقتصادی-اجتماعی رژیم پهلوی در منطقه، ایران در شاخص سواد از مصر، سوریه و ترکیه در رتبه بسیار پایین‌تری بوده، به‌طوری‌که در سال ۱۹۸۰ میزان باسوادى در ترکیه ۶۶، در سوریه ۵۶ و در لیبی ۶۰ درصد بوده است.

یک اتاق برای ۲ خانوار
مسکن یکی از نیازهای اولیه انسان در کنار خوراک و پوشاک است که مطلوبیت کمی و کیفی آن در افزایش کیفیت‌زندگی بسیار موثر است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در سال‌های پایانی حکومت پهلوی، مسکن در ایران در بدترین شرایط کیفی و کمی بوده است، به‌طوری‌که در سرشماری رسمی سال ۱۳۵۵، ایران دارای ۳۳ میلیون و ۷۰۸ هزار و ۷۴۴ نفر جمعیت در قالب پنج میلیون و ۳۰۵ هزار و ۵۳۸ خانوار بوده است که از مجموع بیش از پنج میلیون و ۳۵۰ هزار خانوار کشور، نزدیک به ۱۴ درصد از خانوارها در یک اتاق زندگی می‌کردند که جمعیت بالغ بر چهار میلیون و ۶۶۵ هزار نفر شامل می‌شد. وضعیت مذکور از این منظر نامطلوب است که براساس همین سرشماری، بعد خانوار در ایران ۶/۳ است؛ یعنی در یک اتاق ۶ نفر زندگی می‌کردند که قطعاتی توان‌ند حاکی از مطلوبیت زندگی باشد. همچنین براساس آمار رسمی سال ۱۳۵۵، در ۳۴۰۰ مورد بیش از دو تاسه خانوار در یک اتاق زندگی می‌کردند که این امر در شرایط فعلی که تقریباً همه خانوارهای کشور حداقل دارای دو اتاق (واحد مسکونی) هستند شاید قابل باور نباشد، اما اینها آماری است که در دوره پهلوی تهیه و استخراج شده است.

پی‌نوشت: ۱- محمدعلی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی

«فرهیختگان» در چهلمین سالگرد خروج شاه از ایران بررسی کرد

شاخص‌های اقتصادی علیه پهلوی

فقر، ضریب جینی، مرگ و میر، مسکن و...



مبنی‌بر جایگاه برتر معیشتی مردم ایران در منطقه، در سال‌های قبل از انقلاب در حالی ۱۳ درصد جمعیت ایران در وضعیت فقر مطلق بوده‌اند که این میزان در ترکیه کمتر از دو درصد بوده است.

۸۵ درصد شرکت‌های کشور در دست ۴۵ خانواده
در مباحث اقتصادی وظایف دولت‌ها در سه زمینه تخصیص منابع، تثبیت و توزیع درآمد مورد نظر قرار می‌گیرد. در این راستا موضوع توزیع عادلانه درآمد و اجرای عدالت اجتماعی و توجه بیشتری به نیازهای تمامی اقشار جامعه‌اعم از مولد، غیرمولد یا آسیب‌پذیر در جهت حمایت از حداقل میزان معیشت زندگی آنان یکی از عمده‌ترین مباحث ومسائل مهم اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. اقتصاددانان برای سنجش وضعیت توزیع درآمد و به تناسب آن برای شناخت میزان آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی در جامعه از شاخص آماری ضریب جینی استفاده می‌کنند که عدد آن بین صفر (شاره به برابری کامل در توزیع درآمد) و یک (حاکی از نابرابری کامل در توزیع درآمد) یا (مخرج) است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد ضریب جینی در ایران از ۰/۴۶۰۶ در سال ۱۳۵۱ به ۰/۴۹۹۲ در سال ۵۳ و به ۰/۵۰۲۰ در سال ۵۴ رسیده بود که این میزان تا سال ۱۳۵۶ به ۰/۴۵۸۴ رسیده است. آمارهای بانک جهانی نیز این ارقام را تایید می‌کند، به‌طوری‌که ضریب جینی ایران تا سال ۱۹۷۵ به ۰/۵۰۲ رسیده، این در حالی است که در همین زمان رقم ضریب جینی در کشورهای چین، هند و ترکیه به ترتیب ۰/۲۶۶، ۰/۴۲۰ و ۰/۴۷۰ بوده است.

در همین زمینه یکی دیگر از شاخص‌های ارزیابی

به این نتیجه دست یافته که «از مجموع ۳۰ میلیون و ۷۰۰ نفر جمعیت ایران در سال ۱۳۵۱، مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر (یعنی ۵۲ درصد جمعیت کشور) کمتر از حداقل نیاز بود و چهار میلیون نفر از این جمعیت ۱۶ میلیونی، دچار سوءتغذیه شدید (مصرف کمتر از ۷۵ کالری) بوده‌اند.

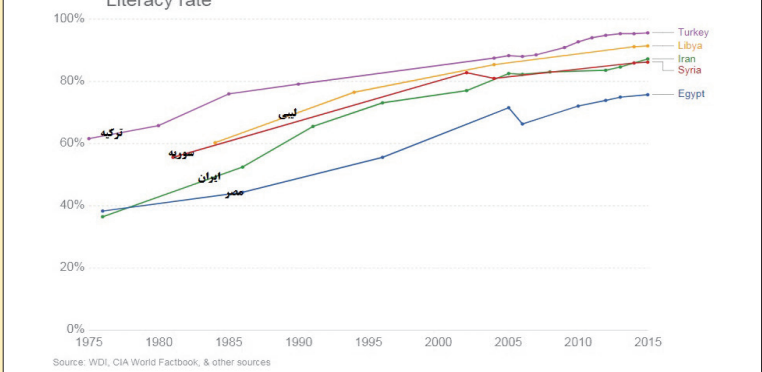
وی ادامه می‌دهد: «در برخی نواحی همچون استان کردستان همه روستاییان دچار سوءتغذیه هستند در مناطق قومی-عشیره‌ای همچون خوزستان، کرمان، بختیاری، بلوچستان و... نیز شرایط به نحو چشمگیری بدتر از نتایج مربوط به سایر نقاط کشور بود.» وی اشاره می‌کند آنها که با ابعاد مساله، سیاست‌ها و کارایی لازم برای تحقق چنین امری کمترین آشنایی را دارند، بی‌تردید جز این نخواهند گفت که در شرایط کنونی، مشکل سوءتغذیه در ایران نه تنها حل نمی‌شود بلکه تشدید هم می‌شود: «احتمالا هر سال بر جمعیتی که دچار سوءتغذیه هستند، با سرعت زیادی افزوده خواهد شد.» (به نقل از همایون کاتوزیان، ص ۳۱۶ تا ۳۲۰). آمارهای جهانی نیز از فقر مطلق در سال‌های اولیه انقلاب این آمارها را تایید می‌کنند، به‌طوری‌که آمارهای بانک جهانی از وضعیت فقر در ایران نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۴ نزدیک به هشت درصد جمعیت کشور در وضعیت فقر مطلق بوده‌اند. به نظر می‌رسد فقر مطلق در کشور از ۱۳ درصد ادعاشده عظیمی در سال ۱۳۵۱ به هشت درصد در سال ۱۳۶۴ رسیده که این امر در نتیجه اقدامات و بسته‌های حمایتی سال‌های اولیه انقلاب اسلامی بوده است؛ اما یکی از نکات قابل تامل در زمینه وضعیت فقر، مقایسه وضعیت ایران و ترکیه است که این مقایسه نشان می‌دهد برخلاف ادعای سلطنت‌طلبان

«دیدن صدها هزار مخالف و ناراضی همچون صاعقه‌ای بر سر شاه وارد شد و آن شوک آنچنان موثر و قوی بود که باعث فلج فکری و ذهنی او شد.» این جمله، آخرین تصویری است از شاه در روز ۲۵ دی‌ماه سال ۱۳۵۷ که «جان استمپل» (دبیر دوم سفارت آمریکا در تهران) در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» به آن اشاره کرده است. در چهار دهه اخیر دلایل انقلاب از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در گزارش حاضر عمدتا به برخی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی دهه پایانی عمر رژیم استبدادی پهلوی اشاره می‌شود. بر این اساس در این گزارش به یک سوال محوری پاسخ خواهیم داد که آیا وضعیت اقتصادی-اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم براساس آنچه سلطنت‌طلبان خارج‌نشین می‌گویند، مطلوب بود یا آنچه در رسانه‌های جمهوری اسلامی گفته می‌شود، صرفا سیاه‌نمایی است. در این زمینه برای سنجش بهتر وضعیت شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی کشور در دهه ۵۰، این شاخص‌ها علاوه بر بررسی با آمارهای داخلی (آمارهای بانک مرکزی و سرشماری رسمی کشور)، در مقایسه‌ای تحلیلی با وضعیت کشورهای منطقه از جمله ترکیه (همسایه ایران)، مصر (رقیب منطقه‌ای)، لیبی (کشور نفتی) و سوریه نیز بررسی شده است.

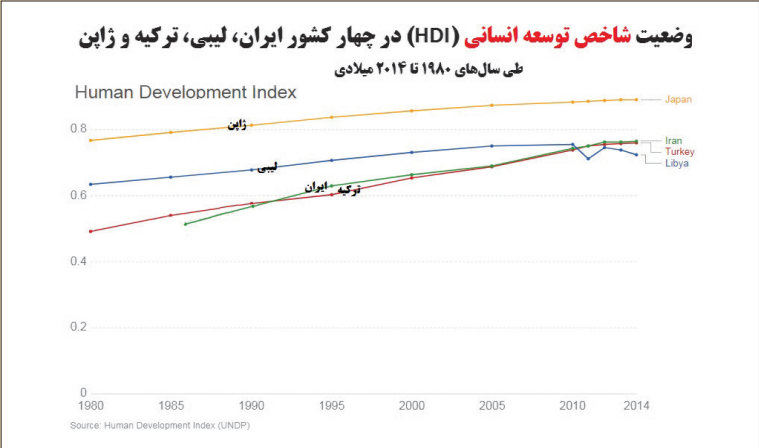
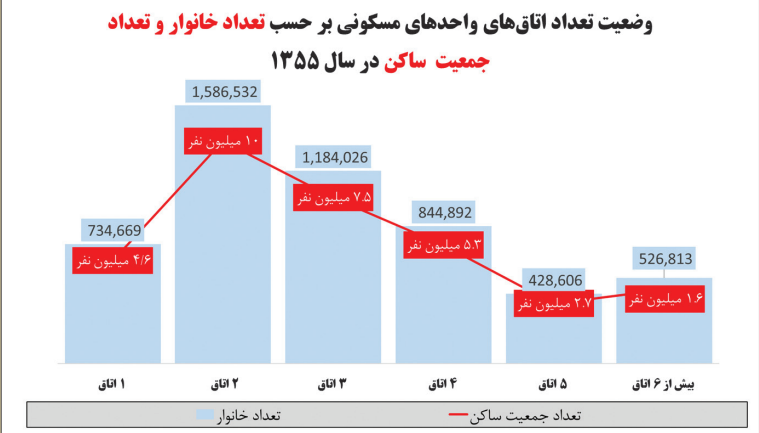
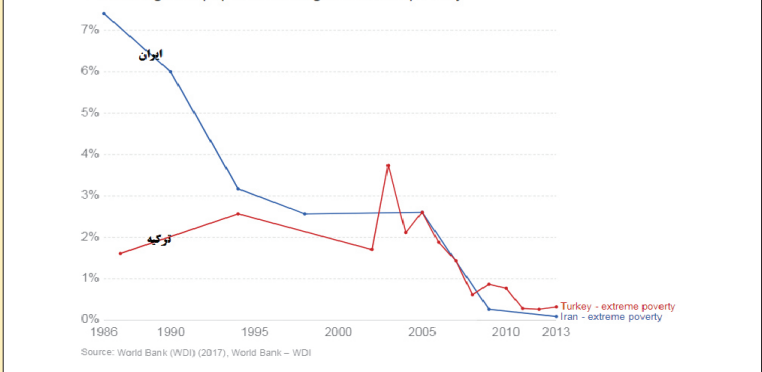
۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در یک سال چه شد؟
سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ از ایران منشأ رخدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار گسترده‌ای است؛ ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱، افزایش بی‌حد و حصر فروش نفت در اوایل دهه ۵۰، مهاجرت گسترده روستاییان و گسترش بی‌رویه شهرنشینی از جمله این موارد هستند. در این دوره با افزایش درآمد‌های نفتی، رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی ایران نیز که از جمله مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی هستند، به‌طور قابل توجهی افزایش یافتند، چنان که تولید ناخالص داخلی ایران از ۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ به ۲۴۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ رسید و رشد اقتصادی نیز در دوره مذکور از ۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده است. بررسی وضعیت درآمد‌های نفتی در دوره ۱۳۵۵- ۱۳۳۸ نیز نشان می‌دهد طی این دوره درآمد نفتی کشور از ۲۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۸ به دو میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار تا سال ۱۳۵۵ و به ۲۰ میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ رسیده بود. به عبارتی طی پنج سال (سال‌های ۵۰ تا ۵۵) درآمد نفتی شاه نزدیک به ۹ برابر رشد کرده بود که این وضعیت شاه را در یک وضعیت متوهمانه قرار می‌داد که خود از آن به‌عنوان «تمدن بزرگ» نام می‌برد؛ اما آنچه اتفاق افتاد، در ظاهر برای توسعه سریع اقتصاد کشور بود اما او به‌طریز دیوانه‌وار مشغول قرض گرفتن از خارج، جذب سرمایه‌گذاری خارجی... بود، به‌طوری‌که بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ موازنه پرداخت‌های ایران تقریباً بی‌وقفه کسری داشت و سرمایه‌های زیادی در راه طرح‌های تجملی و غیراقتصادی صرف شد. محمدعلی همایون کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» آورده است: «ایا این فداکردن ثروت اجتماعی ایران به راستی برای توسعه سریع اقتصادی صورت می‌گرفت؟ جواب آری است اگر «توسعه اقتصادی» عبارت باشد از: رشد آتی و فزاینده در استفاده از وسایل نقلیه، وسایل خانگی، تعطیلات خارج، تفریحات عرضه‌شده در رستوران‌ها و قمارخانه‌ها، خانه‌های کاخ‌مانند و مانند اینها توسط اقلیتی ممتاز؛ هزینه‌های سرسام‌آور نظامی و بر باد

۵۲ درصد جمعیت ایران در آستانه فقر
از جمله علائم آسیب‌سازی رفاه اجتماعی، گسترش فاصله طبقاتی، توزیع نامتعادل درآمد و ثروت است که خود منجر به فرونی جمعیت زیر خط فقر و سوءتغذیه می‌شود. یکی از مطالعات بسیار دقیق و جامع در زمینه فقر در دوره پهلوی، مطالعات مرحوم دکتر حسین عظیمی (به نقل از همایون کاتوزیان، ص ۳۱۶ تا ۳۲۰) است. عظیمی در رساله دکتری خود که در دانشگاه آکسفورد و تحت عنوان «بررسی رابطه رشد اقتصادی، توزیع درآمد و فقر با توجه به مسائل ایران» انجام شده، سه رده مصرف کالری را در ایران مشخص می‌کند که معرف «سه خط فقر» متمایز هستند. بر این اساس، خط «الف» معرف مصرف ۹۰ تا ۹۹ درصد حداقل نیاز کالریک؛ خط «ب» معرف مصرف ۷۵ تا ۹۰ درصد حداقل نیاز کالریک؛ و خط «پ» معرف مصرف ۷۵ درصد با کمتر از حداقل نیاز کالریک است. عظیمی با به کارگیری این تعاریف

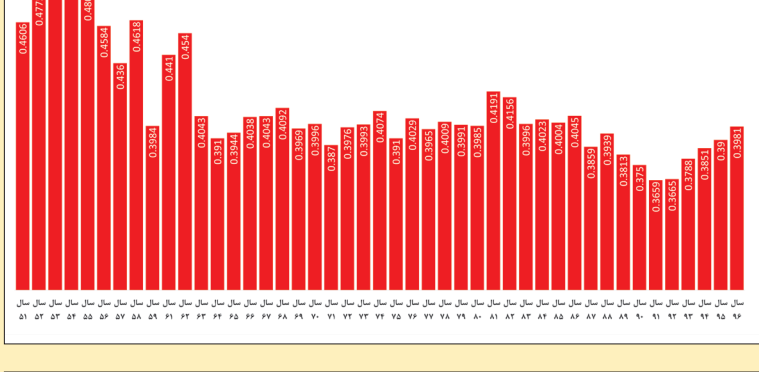
نرخ باسوادی افراد ۱۴ سال به بالا در پنج کشور ایران، ترکیه، سوریه، لیبی و مصر طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۵ میلادی (درصد)



وضعیت فقر مطلق طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۳ در ایران و ترکیه (برصد)



وضعیت ضریب جینی طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۶ در ایران
بیشتر بودن ضریب جینی به معنای افزایش فاصله طبقاتی است



مرگ‌میر نوزادان در ایران، سوریه و ژاپن طی سال‌های ۱۸۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی (درصد)

